

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: فرهنگ انتظار
نویسنده: آیت الله ناصری (زید عزه)

نخست: شناخت وظیفه

از وظایف اصلی انسان، در دوران غیبت، «انتظار» ظهور منجی عدالت گستر است. هنگامی این وظیفه به خوبی انجام می گیرد که حقیقت انتظار و وظایف انسان منتظر به خوبی شناخته شود. در روایات متعددی به این مطلب اشاره شده است، از جمله روایت امام صادق (ع) که به یاران خود فرمود: «آیا شما را از چیزی آگاه نکنم که خداوند بدون آن هیچ عملی را از بندگان نمی پذیرد؟» گفتند: «بفرمایید». فرمود: «گواهی به یگانگی خدا و نبوت پیامبر اکرم ۶ و اقرار به آنچه خدا امر فرموده و ولایت ما و بیزاری از دشمنان ما و تسلیم شدن در برابر ایشان [امامان] و پرهیزکاری و کوشش و خویشتن داری و انتظار قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف».^۱

در این روایت، انتظار حضرت مهدی (ع) از جمله عواملی است که موجب پذیرش اعمال دیگر می شود.

دوم: دست یابی به آثار فراوان انتظار

از آن جهت که «انتظار» مبحثی کاربردی است، اگر چه در شمار مباحث اعتقادی نیز از آن بحث می شود؛ اما نقشی اجتماعی نیز دارد. می دانیم که دین، امری پویا است و نقش دهنده به زندگی اجتماعی، ازین رو حرکت زا و تکامل آفرین می باشد؛ اما انتظار علاوه بر اینکه سازندگی فردی دارد در شمار اجتماعی ترین مباحث دینی نیز قرار دارد و ازین رو در چگونگی زندگی اجتماعی انسان، نقش ویژه ای بر عهده دارد. شخص «منتظر» که تصویری صحیح از مسأله «انتظار» دارد، به گونه ای زندگی فردی و اجتماعی خود را تنظیم می کند که با این اندیشه مطابق و با اصول آن مخالفتی نداشته باشد.

سوم: تحریف زدایی

این مفهوم، از مفاهیمی است که همواره در تفکر مکتب شیعی، نقشی اساسی داشته است. ازین رو، مخالفان این مکتب نیز همواره در پی مخدوش کردن معنای صحیح آن بوده اند. می توان گفت در برخی از برهه ها، در این راه موفقیت هایی نیز به دست آورده اند.

اینان، گاه انتظار را به معنی رکود، خمودی و سستی در مسائل مربوط به اجتماع انسانی قلمداد کرده اند و «منتظر» را فردی گوشه گیر معرفی می کنند که هیچ ارتباطی با زندگی جمعی برقرار نمی کند، و تنها سر خود را در پیش گرفته و به زندگی فردی، عبادات فردی، و سلوک فردی می پردازد.

این مفهوم در این معنا، مفهومی گمراه کننده و بسیار خطرناک است که فایده آن تنها نصیب قدرتمندان حاکم بر جوامع می شود. اگر کسی به چنین تفکر فرد انگارانه ای درباره مسائل اجتماعی، اعتقاد پیدا کرد، هیچ دخالتی در این گونه مسائل نخواهد داشت و از این رو به راحتی می توان تمامی بهره های او از جامعه

را، سلب و به نفع خود به کار گرفت. از این رو مفهوم حرکت آفرین و مکتب ساز «انتظار» که می تواند به بزرگ ترین حرکت های اجتماعی و برترین تغییرات جمعی منجر شود، گاه وسیله ای برای تخدیر و سکون معتقدان به این موضوع قرار گرفته است.

مفهوم انتظار

ابتدا می بایست مفهوم صحیح انتظار شناخته شود؛ چرا که تا رنج دست یابی نقشه گنج بر انسان تحمیل نشود، به راحتی به گنج دست نمی یابد.

در توضیح مفهوم انتظار، به چند نکته اشاره می کنیم:

الف: انتظار، حالتی روحی است که از ضمیر فرد منتظر بر می آید؛ اما با چشم به در دوختن و حسرت خوردن تمام نمی شود؛ بلکه به عمل منجر می شود و در تمامی اجزای زندگی مادی و معنوی تأثیری شگرف برجای می نهد. در روایات متعدد، انتظار به عنوان عمل، بلکه برترین اعمال معرفی شده است. از جمله روایت پیامبر اکرم ۶ است که فرمودند :

افضل اعمال اُمّتی انتظار الفرج؛ 2 برترین اعمال امت من، انتظار فرج است.

این دسته روایات، دلالت دارد که انتظار، حالت روانی [درونی] صرف نیست؛ بلکه حالت عملی [بیرونی] نیز دارد.

ب: همانگونه که از معنای لغوی این واژه استفاده می شود، اصطلاح انتظار، به معنای عدم رضایت از وضعیت موجود و انتظار عملی برای تغییر آن و حاصل شدن وضعیتی مناسب می باشد.

ج: بر این اساس، می توان فهمید که انتظار مفهومی است مرکب از دو جزء نفیی و اثباتی. نفی آنچه در جریان است و اثبات آنچه انتظار و توقع آن می رود.

اینک برای وضوح مطلب، مثالی بیان می کنیم. اگر کسی به سفر رود و این سفر، بیش از حد معمول به طول انجامد و خبری نیز از او به دست نیاید؛ پدر و مادر این فرد مسافر که از وضعیت موجود ناراضی و طالب تغییر این وضعیت هستند. لحظه ای نسبت به وضعیت موجود حالت بی تفاوتی ندارند؛ بلکه در تمامی لحظات در پی آنند که از این وضعیت خارج شوند و از سویی دیگر، وضعیت مطلوب را فراهم آورند. این حالت را «انتظار» می خوانند، و این پدر و مادر را، «منتظر».

مریضی که به بیماری صعب العلاجی مبتلا شده است، تاجری که از بی ثباتی وضعیت اقتصادی پیشه اش رنج می برد، زندانی ای که مدت ها بدون روشن شدن سرانجامش، در زندان به سر می برد و... همه از نمونه های وقوع در حالت انتظار می باشند. اینان لحظه ای از مشکل خود غافل نمی شوند و در تمامی حالات، مصرّانه آرزوی وضعیت بهتر را در سر دارند، و در راستای تحقق آن کوشش می کنند. بنابراین می توان دریافت حالت انتظار، حالتی نظیر حالت آماده باش است که فرد منتظر را به حرکت وا داشته و زمینه فراهم شدن مطلوب را محقق می سازد.

منتظر کیست؟

درباره واژه «انتظار» و معنای اصطلاحی آن، سخن گفتیم. اینک می‌گوییم: «انتظار ظهور» نیز، مفهومی است با معنایی همانند آنچه بیان شد. انتظار ظهور، یعنی اینکه فرد منتظر، نخست از وضعیتی موجود ناراضی باشد، و در گام دوم، طالب و خواهان تغییر این وضعیت به وضعیت مطلوب باشد. این حالت، حالت آمادگی و حرکت برای تغییر این وضعیت را پدید می‌آورد؛ از این رو فرد منتظر، نه تنها در حالت انزوا به سر نمی‌برد؛ بلکه همواره بیشترین نقش را در مسائل اجتماعی بر عهده می‌گیرد.

در طول تاریخ، میلیون‌ها شیعه خود را در صف منتظران ظهور قلمداد می‌کرده‌اند و بسیاری از انقلاب‌های اجتماعی نیز با همین انگیزه به وقوع پیوسته است؛ اما در این میان، تنها کسانی منتظر واقعی هستند که گذشته از دارا بودن آن دو حالت، در حالت آماده باش به سر برده و در هر لحظه، آماده تغییر وضعیت موجود باشند. به عنوان نمونه، بنیان‌گذار عظیم الشان انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) را می‌توان به عنوان الگوی انتظار و منتظران ذکر کرد. ایشان نه تنها از وضعیت حاکم بر کشور در زمان حکومت خودکامگان پیشین راضی نبودند و در انتظار تغییر این وضعیت به سر می‌بردند؛ بلکه خود نیز آماده تغییر این وضعیت بودند از این رو انقلاب شکوهمند اسلامی را برای زمینه‌سازی ظهور ولی عصر (ع)، رهبری کردند.

ما نیز که خود را از منتظران ظهور آن حضرت می‌دانیم، باید نخست از وضعیت ظلم و فساد حاکم بر جوامع اسلامی ناراضی باشیم و در مرحله دوم، طالب تغییر این وضعیت شویم، آن‌گاه در نتیجه این دو حالت، آن چنان حالت آمادگی‌ای پیدا کنیم که در هر لحظه بتوانیم در رکاب آن حضرت قرار بگیریم و در اجرای فرامین ایشان بکوشیم.

بدین ترتیب آشکار می‌شود که انتظار، نه حالتی تخیلی که وضعیتی حرکت زاست و همواره فرد منتظر را در حالت تلاش و حضور در عرصه‌های اجتماعی نگاه می‌دارد.

در جرگه منتظران

اکنون جای این پرسش است که چگونه می‌توان در سلک منتظران قرار گرفت؟ گفتیم که انتظار، حالتی درونی است که منجر به حرکت به سوی مطلوب می‌شود. برای پیدایش این حالت، نخست باید به ایجاد سنخیت با مطلوب فرد منتظر، پرداخت. سلامتی، وضعیتی است که روح انسان بیمار با آن سنخیت دارد؛ لذا ناخودآگاه هر لحظه در طلب آن است. همراهی با فرزند، بهبود وضعیتی اقتصادی و... نیز همین گونه است که پدر و مادری که از فرزند مسافر خود اطلاعی ندارند و بازرگانی که به رکود و ناامنی پیشه‌اش دچار شده، در هر لحظه به آن توجه دارد.

منتظران حقیقی ظهور نیز، نخست باید با وضعیت نامطلوبی که بر جامعه آنان حاکم است، سنخیتی نداشته باشند، آن‌گاه سنخیت کامل با وضعیت ممکن بعدی پیدا کنند تا در سلک منتظران قرار گیرند. از این رو مشابهت با یاران حضرت ولی عصر (ع) - که پدید آورندگان وضعیتی نوین هستند - تنها راه ورود در این مسیر می‌باشد.

زدودن رذایل از نفس و آرایش آن به فضایل و در یک سخن، تهذیب نفس، تنها راه ورود به جرگه منتظران است. کسی که نفس مهذب داشته باشد، نه به آلودگی‌های دنیای مادی دل می‌بندد، تا از وضعیت پریشان

فساد و ظلم موجود جهانی شادمان باشد و نه دچار رکود می شود، تا برای پیدایش وضعیت مناسب اقدامی نکند.

بدین ترتیب معلوم می شود که منتظران واقعی در بالاترین سطح ممکن از تهذیب نفس قرار دارند.

والا ترین منتظران

اینک حالت انتظار را در قالب ذکر یک نمونه بیان می کنیم. این نمونه، برخاسته از حدیثی است که یکی از یاران خاص حضرت صادق(ع) به نقل آن پرداخته است. بر اساس این حدیث، می توان دید حضرت صادق(ع) -که در شمار منتظران ظهور قرار داشته اند- چگونه بی تابانه اشک می ریخته و انتظار ظهور را در دل داشته اند.

بنابراین روایت، روزی مفضل بن عمر، ابوبصیر، ابان بن تغلب و سدید -که هر چهار تن از یاران ویژه حضرت صادق(ع) و در شمار فداییان ولایت بوده اند- به محضر آن حضرت بار می یابند و آن حضرت را در لباسی با آستین هایی تقریباً کوتاه و بدون یقه و سینه ای باز می یابند که بر روی خاک نشسته و به شدت گریه می کنند و این سخنان را بر زبان می رانند:

«ای سرور من! غیبت تو بر گرفتاری ها و ناراحتی های من افزوده است، گمان نکنم اشک چشمم خشک شود و ناله سینه ام فرو نشیند.»

سدیر با دیدن این حالت، ناراحت می شود و از آن حضرت می پرسد: یابن رسول الله ۶! چه مطلبی برای شما پیش آمده که این گونه منقلب و ناراحت هستید؟

آن حضرت، آهی کشیده و پاسخ می دهند: «امروز صبح در کتاب جفر اکبر نظر می کردم که به مسائل مربوط به خاتم الأوصیا رسیدم. دیدم این بزرگوار چه مقامی نزد حضرت حق دارند و چه اندازه غیبتشان طولانی می شود و چقدر باید ناراحتی اجتماعات را تحمل کنند، چقدر بندگان خدا از دین حق دست شسته و از آن خارج می شوند. من از حالات آن حضرت در روزگار غیبت منقلب شده بی اختیار اشک چشمم جاری شده است»^۳.

تحلیل کوتاه این حدیث شریف، نشان می دهد اولاً از آنجا که آن حضرت با فرزند زاده بزرگوارشان سنخیت کامل دارند، در طلب رفع مشکلات ایشان هستند و ثانیاً از آنجا که در بالاترین حد ممکن، پیراسته از آلودگی ها می باشند، نمی توانند به وضعیت موجود راضی باشند؛ لذا بی اختیار در سلک منتظران آن حضرت قرار می گیرند و اشک از دیدگان شان جاری می شود.

این حالت «بی اختیاری» و «ناخود آگاهی» خبر از ملکه شدن و استقرار این صفت می دهد و همان حالت انتظار است که می تواند فرد منتظر را در شمار یاران حضرت ولی عصر(ع) قرار دهد.
پی نوشت:

1. الغیبة نعمانی، باب ۱۱، ح ۱۶، ص ۲۰۷.

2. بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۲۲.

3. بنگرید: الغیبة، طوسی، ص ۱۶۷، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۲؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۹.